

صلوات یا کف و سوت؟

علی رضوان شهری

«تمام تسبیح جان ماست.»^۱
این مقال، ابتدا به بررسی یکی از مسائل اجتماعی؛ یعنی تبدیل صلوات به اموری همچون: کف، سوت و یا سکوت - صرف نظر از ثواب و عقاب - می پردازد، و بخش دوم آن، مانده‌ای معنوی است در فضیلت صلوات.

تبدیل صلوات به کف و سوت

نوآوری و تغییرات در بسیاری از

«صلوات» به بیان قرآن کریم نغمه الهی و نوایی ملکوتی است: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ﴾؛ «خداوند و فرشتگان او بسر پیامبر درود می فرستند.» صلوات، عشق و رزق بی پروای یوسفهای آفرینش است به گلبرگهای سرسبد هستی؛ قدرشناسی از گلگون چهره‌هایی است که به پای رو سفیدی ما فدا شدند؛ هم بهترین دعا در شأن برترینهاست و هم عامل پذیرش دعاها؛ صلوات، نوای ایمان و نابودی نفاق است؛ هم توحید است و هم نبوت، هم امامت است و هم معاد روز قیامت، و در یک کلمه،

۱. «الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ التَّسْبِيحَ وَالتَّهْلِيلَ وَالتَّكْبِيرَ؛ درود فرستادن بر محمد و آل محمد، نزد خداوند متعال سبحان الله و لا اله الا الله و الله اکبر گفتن است.» عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۴، ح ۵۲.

رفتاری و ارزشهای اصیل اسلامی و ملی شتاب بیشتری به خود گرفته است. بویژه، همسویان غرب توانسته‌اند بخشی از جوانان را از اصالت و هویت خود جدا و به رسانه‌ها، کتابها و فرهنگ خودی بدبین نموده، به پستان فرهنگی آمریکا متصل کنند.

بررسی علل و زمینه‌های این موضوع فرصتی دیگر می‌طلبد. ولی آیا باید چشم بسته، فرزندان خود را رها کنیم؟ آیا روشنگری و جهت‌دهی جریانها، از مهم‌ترین وظایف ما نیست؟

اکنون جا دارد درباره مثلث تقلیدی «کف، سوت، سکوت» نکاتی بیان شود.

الف) اینها حرکت و صداهاى پوچ و تهی است و تنها وسیله‌ای خشک و بی‌معنا برای ابراز یک احساس به شمار می‌رود. ولی تکبیر و صلوات صدایی وحیانی و آسمانی است نه زمینی، ضمن اینکه جهانی از معارف را در بردارد.

ب) چنین اموری تقلید کورکورانه از یک فرهنگ اجتماعی است، تقلید از

ابعاد زندگی از جمله سنن، آداب و رسوم اجتماعی، امری رایج و تا اندازه‌ای اجتناب‌ناپذیر است. آنچه مهم و مسئولیت‌آور است جهت‌دهی مطلوب به این گونه امور است؛ مثلاً در دههٔ چهل تا آغاز اوچ‌گیری نهضت اسلامی ایران، هرگاه جمعیتی می‌خواست قطعنامه یا فرازی از سخنرانی را تأیید کند، سه بار می‌گفتند: «صحيح است». کم‌کم مردم با بیداری، شعور و ارتکاز معنوی خود آن را به «تکبیر» تبدیل کردند. همچنین به هنگام تشویق و تأیید کسی یا موضوعی، صلوات رایج شد و هر چه بر صفا و پاکی فرزندان اسلام افزوده می‌شد، استفاده از این شیوه بیشتر شد، به گونه‌ای که در دو دههٔ آغاز انقلاب، سوت کشیدن و یا اعلام سکوت، امری مستهجن شمرده می‌شد. این در حالی است که هیچ‌گاه امام راحل یا رهبر معظم انقلاب و شخصیت‌های مهم، در این باره دخالت صریحی نداشتند.

اخیراً قضیه به عکس شده و برخی به نابودی ارزشهای انقلاب اسلامی و ثمرات خون شهیدان همت گماشته‌اند. گویا هیچ هم و غم و هدفی جز این ندارند. بدین سان، تغییر و تحول در روحیه‌ها، مظاهر

مدعیان ملی‌گرایی همواره در این باره پیشقراولان بیگانه‌پرستی و وطن‌فروشی و گشودن دروازه به روی استعمار بوده‌اند! بگذریم از اینکه در مواقع بروز خطر و جنگ برای کشور، فرار از صحنه را فراروی خود قرار داده‌اند.

بدیهی است استفاده از خوبیه‌ها و فضایل، یا علم و صنعت از هر کجا باشد مایه افتخار است، ولی با تأسف پادوهای آمریکا و خودفروختگان آنها در کشورهای شرقی و از جمله ایران، در زمینه‌های مثبت هیچ هنری نداشته‌اند و پیرو پلیدیهای دیگران بوده‌اند. آیا یک ملت با منع حجاب و تغییر لباس و آرایش، متمدّن می‌شود؟ و آیا در ایران رضاخانی چنین چیزی حاصل شد؟

آیا اروپا و آمریکا نیز از فرهنگ ما تقلید می‌کنند یا از خود مقاومتی سرسختانه نشان می‌دهند؟ نمونه‌هایی از برخورد خشن با فرهنگ اسلامی و ایرانی، هر روزه در دنیا رخ می‌دهد؛ مثلاً دو سال پیش، فرانسه حاضر نشد شراب را از سفره ضیافت شام ریاست

کسانی که در فرهنگ و معارف از ما ناتوان‌ترند و این‌گونه تقلید اگر از روی غفلت باشد، به معنای زدن مهر بی‌عقلی و بی‌شعوری بر پیشانی خویش است. اگر مقلد لحظه‌ای می‌اندیشید که چرا نباید دیگران پیرو من باشند و چرا من باید خود باخته و خود فروخته باشم، دست از این آلودگی‌ها می‌شست.

گفتنی است که تقلید از اهل علم و اجتهاد، بهره‌مندی از سفره فراهم شده از یک عمر تحقیق مجتهد است، همچنان که او نیز از تلاش و تحقیق هزار ساله بزرگ‌ترین دانشمندان سود جسته است.

نظیر درمان یک مرض با استفاده از راهنمایی پزشک متخصص که در واقع، این عمل به مفهوم بهره‌مندی از تحقیق هزاران پژوهشگر پزشکی است نه تقلید کورکورانه از جاهلان.

ج) هر یک از زوایای این مثلث، نوعی غربزدگی و از خود بیگانگی است. ملّتی که آیین و فرهنگ اصیل خود را رها کند، در معرض زوال و نابودی است. عجیب اینجاست که

بیگانگان، اعلام خود باختگی، بی شخصیتی و در یک جمله برافراشتن پرچم بی لیاقتی و وادادگی بر بام فرهنگ این مرز و بوم است.

از برنامه‌های کافران عهد جاهلیت، کف و سوت به جای نماز بود: ﴿وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْنَبِيِّ إِلَّا مَكَاءٌ وَتَضَرِيحَةً فَذَوْقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾^۱ «نمازشان در خانه خدا جز سوت کشیدن و کف زدن نبود. پس به سزای آنچه کفر می‌ورزیدید، این عذاب را بچشید.»

مفزلت صلوات

علاوه بر اینکه خدا و فرشتگان بر پیامبر صلوات می‌فرستند، مؤمنان نیز به این امر فرمان داده شده‌اند: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾^۲ «خداوند و فرشتگان او بر پیامبر صلوات می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر پیامبر صلوات بفرستید و کاملاً تسلیم او باشید.»

در قرآن کریم هم دستور احترام و

جمهور ایران حذف کند، با اینکه وجود شراب از واجبات مسیحیت نیست. به همین جهت، مدتی مدید با فرانسه مذاکره شد و سفر به تأخیر افتاد و در نهایت، رئیس جمهوری در ضیافت شام حاضر نشد و با عصرانه‌ای پذیرایی پایان پذیرفت.

پوشش روسری در کشورهایمانند: فرانسه و انگلیس سالهاست که برای مسلمانان، محرومیت آور شده است، به گونه‌ای که جرأید نوشتند: رئیس دولت ترکیه نتوانست دختر خود را با روسری به دانشگاه بفرستد و به دلیل داشتن روسری، مجبور شد در بیرون کشور و دیار غربت و جدا از والدین، به تحصیلاتش ادامه دهد.

د) این حرکتهای سکوتها به جز قراردادی اعتباری، هیچ بار فضیلتی و ارزش معنوی ندارند. اگر برای شادی روح مرده‌ای به جای اعلام چند لحظه سکوت، مثلاً گفته شود: چند دقیقه فوت کنید، چشمانتان را ببندید و یا انگشت سبابه خود را حرکت دهید، به حال آن مرحوم هیچ فایده و فرقی ندارد.

ه) پذیرش آداب و رسوم پوچ

۱. انفال / ۳۵.

۲. احزاب / ۵۶.

توقیر او از رسول خدا ﷺ که به هنگام نقل حدیث و نام بردن اسم شریف آن جناب چگونه حالش تغییر می‌کرد، با اینکه پسر پیغمبر و پاره تن اوست... با بی احترامی و بی طهارت اسم مبارکش را مگو و ننویس.

هزار مرتبه شویم دهان به مشک و گلاب
هنوز نام تو بردن کمال بی ادبی است^۴

احکام صلوات

صلوات، همیشه، ارزشمند است، ولی در مواردی فضیلت و استحباب بیشتری پیدا می‌کند؛ مثلاً هنگام ورود و خروج از مسجد؛ پس از ذکر نام حضرت رسول ﷺ حتی در نماز؛ شب و روز جمعه؛ ماه مبارک رمضان؛ پس از نمازها؛ به هنگام ذبح حیوانات

۱. نوح/۱۳.

۲. فتح/۸-۹.

۳. وهابیه‌ها، گرامیداشت پیامبر ﷺ را حتی در سالگرد ولادت و رحلت آن حضرت، حرام و کفر و شرک می‌دانند و عاشورا را نیز عید قلمداد می‌کنند.

در پاسخ به چنین تفکری، مطالعه ترجمه کتاب علامه جعفر مرتضی عاملی به نام «بزرگداشتها در اسلام» نشر بوستان کتاب، مفید است.

۴. اخلاق(۱)، ص ۴۶-۴۵، به نقل از منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۴۲-۲۴۳.

بزرگداشت خداوند تعالی هست که ﴿مَّا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا﴾؛ «شمارا چه می‌شود که برای خداوند شکوهی را امید ندارید.» و هم توقیر و گرامیداشت پیامبر را گوشزد می‌نماید: ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا لِّتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُحْرَةً وَأَصْبِلًا﴾؛ «به راستی که ما تو را شاهد و گواه و بشارت دهنده و هشدار دهنده فرستادیم. تا [شما مردم] به خدا و پیامبرش بگرید و یاری‌اش کنید و گرامی‌اش بدارید^۳ و در صبح و شام تسبیحش گوید.»

محدّث قمی^۲ در بیان رفتار امام صادق^۱ می‌نویسد:

«... و آن جناب، کثیر الحدیث و خوش مجالست و کثیر الفوائد بود. هرگاه می‌خواست بگوید: «قال رسول الله ﷺ» رنگش تغییر می‌کرد؛ گاهی سبز می‌گشت و گاهی زرد، به حدّی که نمی‌شناخت او را کسی که می‌شناخت او را...»

مؤلف گوید: خوب تأمل کن در حال حضرت صادق^۱ در تعظیم و

در روایات فراوانی، حذف «آل محمد» از صلوات - که کار یزیدیان است - نهی شده است. علامه طباطبایی رحمته الله علیه پس از روایتی در این باره، می نویسد: «جز این، هیچ‌جده حدیث دیگر از اهل سنت دلالت دارد بر صلوات کامل و پرهیز از ناقص... و اما روایات شیعه در این موضوع، فراوان و بی شمار است.»

در صحاح اهل سنت است: «اگر «آل محمد» نباشد، صلوات ابتر است و کسی که آن را نگوید، دست ردّ بر سینه اش می خورد و به او خطاب می شود: «لَا لَبَّيْكَ وَلَا سَعْدَ نَيْك.»^۵

۱. سفینه البحار، ج ۳، واژه «صلا»؛ عدّة الداعی، ص ۱۵۰؛ میزان الحکمة، ج ۲، ص ۱۶۶۲؛ وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۲۱۰ - ۱۲۲۲، باب الصلاة علی النبی صلی الله علیه و آله؛ بحار، ج ۹۴، باب ۴۷.
۲. سنن دارقطنی، ج ۱، ص ۳۵۵، ح ۶؛ عوالی اللالی، ج ۲، ص ۴۰، ح ۱۰۱.
۳. امالی صدوق، ص ۱۶۷، ح ۹؛ بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۸۶.
۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹۵، ح ۲۱؛ عدّة الداعی، ص ۱۴۹.
۵. ر.ک: صحیح بخاری، ج ۶، ص ۶۵۱؛ ج ۴، ص ۱۸۰۲؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۰۵؛ الغدیر، ج ۷، ص ۷ و الدرّ المثثور، ذیل آیه ۵۶ سوره احزاب.

و هنگام شنیدن نام حضرت.^۱ در نماز میت و همچنین در تشهد نمازهای دیگر، صلوات واجب است و نماز بی صلوات، باطل است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَنْ صَلَّى صَلَاةً لَمْ يُصَلِّ فِيهَا عَلَيَّ وَلَا عَلَيَّ أَهْلِي نِيْتِي لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ»^۲ هر کس نماز بگذارد و در آن بر من و اهل بیت من صلوات نفرستد، از او قبول نمی شود.»

صلوات ناقص

ذکر «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ» بدون «وَأَهْلِهِ» ناقص و خلاف امر پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ چنان که حضرت می فرماید: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَ لَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ آلِي لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ»^۳ هر که بر من صلوات بفرستد و بر خاندانم درود نفرستد، بوی بهشت را نمی یابد.»

امام صادق علیه السلام می فرماید: مردی به کعبه در آویخته بود و چنین می خواند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ». پدرم شنید و به او فرمود: «يَا عَبْدَ اللَّهِ لَا تَبْتَرِهَا، لَا تَطْلِمُنَا حَقَّنَا، قُلْ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِي نِيْتِهِ»^۴ بنده خدا! صلوات را ناقص نکن و در حق ما ظلم نکن، بگو: خدایا بر محمد و اهل بیتش درود بفرست.»

کیفیت صلوات

مردی به پیامبر ﷺ عرض کرد: دانستیم چگونه بر شما سلام کنیم، ولی صلوات بر شما چگونه است؟ آن حضرت فرمودند: بگو: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.»^۱

حضرت سجاد علیه السلام در پایان دعای مکارم الأخلاق چنین دعا می‌کند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ، كَمَا فَضَّلْتَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ وَأَنْتَ مُصَلِّ عَلَيَّ أَحَدٍ بَعْدَهُ»^۲ بار خدایا بر محمد و آلش درود فرست، مانند بهترین درودی که قبل از او بر هر یک از بندگانت نثار کردی و یا پس از او نثار کسی خواهی کرد».

حضرت رضا علیه السلام با صدای بلند و پی در پی توصیه به صلوات می‌کنند که در آن اماکن، سنت بدی است؛ زیرا مزاحم افرادی است که دعا، نماز و زیارت می‌خوانند. بزرگان نیز به حفظ ادب و آهسته خواندن زیارتنامه سفارش کرده‌اند.^۴

ثواب و فضیلت صلوات

۱. کفاره گناهان:

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَفْرِزْ عَلَيَّ مَا يَكْفُرُ بِهِ ذَنْبُهُ فَلَيْكُنْزِرَ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ، فَإِنَّهَا تَهْدِيكَ الذُّنُوبَ هَذَا؛^۵ هر که از انجام عملی که گناهانش را جبران کند ناتوان است، پس باید زیاد بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد؛ زیرا صلوات، گناهان را به کلی پاک

بهرتر است صلوات با صدای بلند باشد. از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده است: «إِزْفَعُوا أَضْوَاتِكُمْ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالنَّفَاقِ»^۳ با صدای بلند بر من صلوات بفرستید که نفاق را از بین می‌برد».

البته برخی از افراد عامی در مشاهد مشرفه مثل رواقهای حرم

۱. المیزان، ج ۱۶، ص ۳۴۴؛ ر.ک: اهل البيت في الكتاب والسنة، ص ۳۸۰، ج ۹۰۱ - ۹۰۲ نقل از بخاری، ج ۳، ص ۱۲۳۳، ج ۳۱۹۰؛ و ج ۴، ص ۱۸۰۲، ۴۵۱۹.

۲. مکارم الاخلاق، دعای ۲۰ صحیفه سجادیه.
۳. الکافی، ج ۲، ص ۴۹۳، باب الصلاة على النبي، ج ۱۳.

۴. تفسیر سوره حجرات، آیت الله دستغیب، ذیل آیه فوق.

۵. سفینه البحار، ج ۳، ص ۱۲۵، به نقل از عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۱، ص ۲۹۴، ج ۵۲.

می‌کند.»

۲. وزین ترین و برترین:

از امام باقر یا صادق علیهما السلام نقل شده است: «أَثْقَلُ مَا يَوْضَعُ فِي الْمِيزَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ؛ سنگین ترین چیزی که در روز قیامت در ترازو گذاشته می‌شود، صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او می‌باشد.»

و از امام صادق علیه السلام روایت است که «مَا مِنْ عَمَلٍ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَفْضَلَ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ؛ روز جمعه هیچ کاری برتر و پرفضیلت تر از صلوات بر محمد و آل محمد نیست.»

۳. دوستی خداوند:

از امام هادی علیه السلام چنین روایت است که: «إِنَّمَا اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام خَلِيلًا، لِكَثْرَةِ صَلَاتِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛ تنها دلیلی که خدا به خاطر آن ابراهیم علیه السلام را به مقام دوستی و خلیل بودن رسانید، کثرت صلوات فرستادن او بر محمد و اهل بیتش - که درود خدا بر آنان باد - بود.»

۴. بخیل واقعی:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْبَخِيلُ حَقًّا مَنْ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ؛ بخیل واقعی:

هر که از انجام عملی که گناهانش را جبران کند ناتوان است، پس باید زیاد بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد؛ زیرا صلوات، گناهان را به کلی پاک می‌کند.

حقیقی کسی است که نزد او از من زیاد شود و او بر من صلوات نفرستد.»

۵. صدای سخن عشق:

از امام صادق علیه السلام روایت است: «إِذَا ذُكِرَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله فَأَكْثَرُوا الصَّلَاةَ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي أَلْفِ صَفٍّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَلَمْ يَنْقُ شَيْءٌ مِمَّا حَلَقَهُ اللَّهُ إِلَّا صَلَّى عَلَيَّ عَلَى الْعَبْدِ، لِصَّلَاةِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَصَلَاةِ مَلَائِكَتِهِ فَمَنْ لَمْ يَزْعَبْ فِي هَذَا، فَهُوَ جَاهِلٌ مَغْرُورٌ قَدْ تَرَى اللَّهَ مِنْهُ وَرَسُولَهُ وَأَهْلَهُ»

۱. همان، ص ۱۲۶، به نقل از قرب الاسناد، ص ۹.

۲. همان، به نقل از خصال، ص ۳۹۴.

۳. همان، به نقل از معانی الأخبار، ص ۲۴۶.

هنگامی که از پیامبر یاد می‌شود، زیاد بر او صلوات بفرستید؛ زیرا هر که بر پیامبر صلوات فرستد، خداوند در میان هزار صف از فرشتگان بر او هزار درود فرستد، و چیزی از مخلوقات خدا باقی نمی‌ماند مگر اینکه بر این بنده درود می‌فرستند؛ چون خدا و فرشتگان بر او درود فرستاده‌اند. پس کسی که در این باره بی‌علاقه باشد، جاهل و فریب خورده است و قطعاً خدا و پیامبر او و اهل بیتش از او بیزارند.»

۶. رهایی از مشکلات:

از استاد اخلاق و عرفان آیت الله بهاء‌الدینی رحمته‌الله نقل شده است:

«ما تجربه زیادی به دست آورده‌ایم و وجدان نمودیم که برای رهایی از مشکلات راهایی هست که بهترین آنها که خود ما حس کرده‌ایم و به کمک آنها به حاجت‌هایمان رسیده‌ایم، چهار چیز است: نذر کردن گوسفند برای فقرا، خواندن حدیث کساء به طور پی در پی، پرداخت صدقه و ختم صلوات.»^۲

حدیثی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل گردیده است:

«مَنْ صَلَّى عَلَيَّ فِي كِتَابٍ لَمْ تَنْزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَسْتَفِيزُ لَهُ مَا دَامَ اسْمِي فِي ذَلِكَ الْكِتَابِ ۳»

هر که در نوشته‌ای بر من صلوات بنویسد، تا هنگامی که نامم در آن مکتوب باقی است، فرشتگان پیوسته برای او استغفار می‌کنند.»

۱. همان، ص ۱۲۷، به نقل از کافی، ج ۲، ص ۴۹۲.

۲. آیت بصیرت، ص ۶۸.

۳. کنز العمال، ج ۲۲۴۳.

۷. کتابت صلوات:

در پاداش نوشتن صلوات،